

چگونه ولی فقیه کارگران ایران را فریب می دهد

ولی فقیه رژیم جمهوری اسلامی ایران خواهان «همفکری و همدلی» اکثریت کارگرانی که زیر خط فقر جان می کنند با «کارفرما و دستگاه های مسئول» است. او در دیدار با هزاران تن از کارگران کشور «پیشرفت را سرنوشت روشن و قطعی ملت ایران» خوانده است. اگر منظور او از «پیشرفت» افزایش ثروت طبقات دارای کشور و افزایش توان نظامی حکومت باشد، البته حق با اوست. ولی در این صورت دیگر اکثریت مردم ایران را که در فقر روزافزون دست و پا می زنند نمی توان جزء ملت ایران به حساب آورد.

این ولی فقیه نیز مانند سلف خود خمینی که می گفت «همه کارگرند پیامبر اسلام هم کارگر بود» از «جایگاه و شأن بسیار مهم کارگر در اسلام» سخن می گوید. او از کارگران گرسنه می خواهد که با «جهاد اقتصادی» «موجب جهش در ایران بزرگ و سرافراز» گردند و به قول ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، به اصطلاح «از منظر منطق عقلایی» کشف نموده است که «عنصر "کار و کارگر" حلقه بی بدیل و بسیار مهم تأمین نیازهای حیاتی فرد و جامعه» است. آری او مشت باز کرد گفت و جب!

هنگامی که خامنه ای می گوید در ۱۴ قرن پیش «نبی مکرم بر دست کارگر ... بوسه می زد»، (یعنی زمانی که کارگر به مفهوم امروزی - فروشنده نیروی کار - وجود نداشت)، همان قدر فریبکار است که امامش خمینی بود. او در حرف فریبکارانه می تواند «کار کارگر را عبادت و عمل صالح» بداند و بگوید «شأن کارگر در اسلام از منطق عقلایی نیز بالاتر است»، اما در عمل، کارگرانی را که مزد کار انجام شده خویش را، که پرداخت اش ماه ها به تأخیر می افتد، طلب می کنند، به فرمان او، به گلوله می بینند، به زندان می اندازند، یا از کار اخراج می کنند.

این فریبکار حقیر مدعی است که: «در اوایل انقلاب اسلامی نیز عوامل و عناصر چپ آن روز یعنی کمونیستها، خیلی تلاش کردند جامعه کارگری را در مقابل اسلام و نظام قرار دهند اما کارگران صدای دین را "صدای آشنا و مطلوب" خود دانستند و در مقابل این توطئه، ایستادند.» ولی او این حقیقت را پرده پوشی می کند که پان اسلامیت ها به رهبری خمینی در زد و بند با دولت های امپریالیستی، در ضد بند با بورژوازی بومی و سازمان های سیاسی آن، و با سوار شدن بر توهم و عقب ماندگی سازمان های سیاسی مردمی و توده های مردم بر قیام بهمن سوار شدند و روند انقلابی جامعه را به شکست کشاندند و همین «عناصر چپ آن روز یعنی کمونیستها» برای نجات این روند هزاران کشته به دست جلدان رژیم اسلامی دادند. او با دروغ های خود نه تنها به جعل تاریخ می پردازد، بلکه می خواهد بر ناآگاهی توده های کارگر کنونی نیز داو ببندد، اما او هرگز قادر نخواهد بود آب رفته را به جوی باز

گرداند. اگر کارگران و سایر توده های مردم در ابتدای شکل گیری این رژیم تجربه ای از حکومت اسلامی نداشتند، امروز با تجربه ای ۳۲ ساله نمی توان آنان را با «توطئه چپ ها و کمونیست ها» فریب داد. اگر توده ها نتوانند به شکل تئوریک نقش دین را در خدمتگزاری به بورژوازی و زمینداران درک کنند، لااقل می توانند به طور تجربی این نقش را با خرابی روزافزون زندگی خویش حس نمایند.

برای ولی فقیه جامعه کارگری «در دفاع مقدس» چیزی جز گوشت دم توپ نبود و اکنون با کارش چیزی جز «تعهد عمیق به اسلام، انقلاب و ایران» نیست. او که می خواهد با خام کردن کارگران «همدلی و صمیمیت» آنان را با «کارفرما و دستگاه های مسئول» به دست آورد، بدیهی است که از شکم گرسنه و زندگی نا انسانی جامعه کارگری غمی به خود راه نمی دهد. او با این وعده سر خرمن که «باید به گونه ای برنامه ریزی و اقدام کرد که جامعه کارگری از جوامع برخوردار و بهره مند کشور شود» در واقع می خواهد این حقیقت را پنهان کند که مزد واقعی کارگران طی ۳۲ سال حکومت اسلامی، پیوسته کاهش یافته است. او از کارگران می خواهد با «جهاد اقتصادی» دشمنان اسلام و حکومت اسلامی را نا امید کنند، در حالی دشمنان طبقه کارگر در درجه نخست بورژوازی بومی، زمینداران و خود دستگاه رژیم اسلامی است.

دشمنی کامل ولی فقیه با طبقه کارگر تا آنجاست که دروغ پردازانه می گوید مصرف کالاهای خارجی «پول و ثروت کشور را به جیب کارگر خارجی سرازیر می کند» و نه به جیب سرمایه داران داخلی (به ویژه بورژوازی تجاری) و سرمایه داران بین المللی. او با این حرف می خواهد با یک تیر دو نشان را هدف قرار دهد. از یک سو «همدلی و صمیمیت» کارگران را با «کارفرما و دستگاه های مسئول» در کشور به دست آورد و از سوی دیگر دشمنی کارگران ایرانی را با کارگران جهان برانگیزد؛ اما او برای موفقیت در این اندیشه پلید خویش بسیار دیر به دنیا آمده است.

او که «ایجاد اشتغال و کارآفرینی را بسیار مهم» می خواند و می افزاید که «پرداختن به زیرساختهای اقتصادی در سراسر کشور، توجه کامل به مسأله صنعت و کشاورزی از جمله مسائل بسیار ضروری و تجلی جهاد فی سبیل الله است»، فریبکارانه این واقعیت را از انظار کارگران می پوشاند که یکی از موانع اصلی در این راه، بورژوازی تجاری است و این بورژوازی یکی از ستون های اصلی رژیم اسلامی است.

بهروز فرهیخته

۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۹ آوریل ۲۰۱۱

www.azarakhsh.org

azarakhshi@gmail.com